



Available online at <http://jgu.garmian.edu.krd>



Journal of University of Garmian

<https://doi.org/10.24271/garmian.24.11C30>

جایگاه پیر رمزبار در آیین یارسان

پرستو سجادی

قسم ارشد زبان و ادبیات فارسی، جامعه سنندج، ایران

Article Info		چکیده:
Received:	September, 2023	خاتون دایراک، دختر حسین بگ، همسر شیخ عیسی برزنجه و مادر سلطان سحاک از زنان نامور عارف در قرن هفتم هجری است. او در میان پیروان یارسان، مخصوصاً یارسان منطقه گرمیان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ایشان که پس از تولد سلطان سحاک، لقب «پیر رمزبار» را دریافت کردند نقش‌هایی متفاوت و البته مؤثر در این آیین دارند در وهله اول مادر سپس به رتبه پیری جامعه و فراتر از آن شفیع یاران سلطان می‌باشند. سخنان بر جای مانده از پیر رمزبار از چنان اهمیت والایی برخوردار است که به «کلام» از آن‌ها نام برده می‌شود و در دفاتر دینی یارسان راه یافته است. کلام ایشان که صیغه حکمت عملی دارد در زمینه و موضوعات گوناگون، در آغاز به صورت شفاهی و به مرور با پراکندگی در منابع مختلف ثبت شده است. مردم یارسان کلام ایشان را سرلوحه زندگی خود قرار داده و به فرزندان خود نیز آموزش می‌دهند. از آنجایی که ایشان در مقام یک بانو در تربیت یاران سلطان سحاک نقش بسزایی داشته‌اند نگارنده بر آن است تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به روش تحلیلی-توصیفی جایگاه و کلام ایشان را در این دین مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.
Revised:	February, 2024	
Accepted:	March, 2024	
Keywords		آیین یارسان، خاتون دایراک، پیر رمزبار، جایگاه زن در آیین یارسان، کلام پیر رمزبار
Corresponding Author		
parastoosajjadi73@gmail.com		

1. مقدمه و بیان مسئله:

آیین یارسان، از ادیان پر رمز و راز ناحیه جبال محسوب می‌شود که دارای مناسک عرفانی و مفاهیم اسطوره‌ای است و آراء کهن را به واسطه پیران و عرفای خود حفظ کرده است. در میان ادیان سری، آیین یارسان با صیغه‌ای رمزی - فلسفی و قدمتی بیش از هشتصد سال به تاریخ ثبت شده و قدمتی ازلی در کلام پیران و سلطان سحاک است.

بارزترین ویژگی آیین یارسان، برابری زن و مرد در ایفای نقش‌های دینی است. بر اساس اعتقادات این آیین، «اصل وجود» انسان ارزشمند است؛ زیرا آنان هستی را «دونادون» دانسته و به حلول روح معتقدند و بر همین اساس، جنسیت در نگاه آنان معنا ندارد. پس از تولد سلطان سحاک خاتون دایراک از تعریف جنسیت - زنانگی به پیر رمزبار، که جزء نزدیک‌ترین یاران سلطان، مشاور، شفیع یاران و بانوی صاحب کلام است، تغییر نقش می‌یابد. از طرف دیگر به تبعیت از باور برابری، چند همسری، تقسیم ارث به صورت نابرابر در میان پیروان این آیین ممنوع می‌باشد. در مقام مادری، زن وجهه-ای قدسی دارد. دایراک ملقب به پیر رمزبار در این آیین، مظهر قدرت زن در امور دینی، سیاسی و اجتماعی است که همواره عهده‌دار مسئولیت‌های مهمی دوشادوش مردان بوده‌اند.

تعالیم سری و دیدگاه محافظه کارانه‌ی پیروان این طریقت و عدم پاسخ قطعی و روشن پیران به پرسش پژوهشگران در تحلیل امور و مناسک دینی آنان، نگارنده را بر آن داشته تا با دیدی تحلیلی به بازخوانی «کلام»‌های انتشار یافته پیر رمزبار بپردازد و به دور از فن و نظریه‌ها تنها با معنی برآمده از آن‌ها تحلیلی جامع و مانع از ارزش و جایگاه زنان را در آیین یارسان به دست دهد.

2. پیشینه

در رابطه با آیین یارسان پژوهش‌هایی در ایران و خارج از آن نیز صورت گرفته است، که هرکدام از جنبه‌های مختلفی چون؛ مسائل دینی، عقاید و باورها، پراکندگی جغرافیایی، زبان و فرهنگ و سایر امور مربوط به آیین یارسان را مورد بررسی قرار داده‌اند که باز هم به دلیل سری بودن آیین و منابع دسته اول محدود در این زمینه نمی‌توان صحت این مطالب را تأیید کرد. در ذیل به چند نمونه از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

کتاب

جیحون آبادی در کتاب «شاهنامه حقیقت» (1361) به بررسی تاریخ روحانی انسان از دوران پیش از خلقت عالم تا روزگار شخص مصنف و به کاوش در اسطوره‌های مسلک یارسان پرداخته و تاریخ منظوم بزرگان و جهان‌بینی این مسلک را توضیح می‌دهد. وی جایگاه هریک از این شخصیت‌ها را در حوزه فرشته‌شناسی یارسان بیان می‌کند.

صفی‌زاده که بیشتر نوشته‌هایش محور یارسان را مورد توجه قرار داده، «نامه سرانجام» یا «کلام خزانه» (1375) را که خود مجموعه‌ای از کلام است را منتشر کرده است.

سلطانی در کتاب «قیام و نهضت علویان زاگرس یا تاریخ تحلیل اهل حق» (1376) به پژوهشی درباره پیشینه جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اعتقادی ((اهل حق)) پرداخته است. برخی مطالب کتاب بدین قرار است: کیفیت پیوند معنوی صفویه و اهل حق، پیوستگی و گسستگی خاندان‌های اهل حق، عملکرد شاه اسماعیل صفوی با قیامگران اهل حق، آل حق در سرزمین‌های اسلامی همچون مصر، عربستان و ترکیه به مثابه داعیان صفویه و مبلغان تشیع علوی، گزارشی مستند از قیام‌های پی‌درپی داعیان اهل حق از دوره صفویه تا عصر حاضر در ایران، عراق، ترکیه به ترتیب سنوات تاریخی.

مجدی در کتاب «پژوهشی دقیق در اهل حق، تاریخچه، عقاید، فقه» (1384) به پژوهشی درباره جریان‌های فکری و فقهی «اهل حق» که به اختصار در یک مقدمه و هشت فصل و ضمایم تدوین گردیده، پرداخته است. پراکندگی جمعیت، پیشینه و منشاء اهل حق، رهبران نامدار، عقاید اهل حق، دفاتر اهل حق و قرآن، اهل حق، فقه و اهل حق و جادو از موضوعات کلی کتاب هستند.

مقاله

حاجی تقی و همکاران در مقاله «پیدایش آیین یارسان و دوره‌های تجلی در این آیین» (1394) به بررسی پیدایش آیین یاری و دوره‌های تجلی این آیین پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که دوره‌های تجلی در آیین یاری چهار دوره بوده و پیدایش این آیین پدیده‌ای اجتماعی بوده و به آیین مذهبی تغییر ماهیت داده است.

زمانی و همکاران در مقاله «تبیین و بررسی انتقادی ارکان و سیر تکامل انسان از نگاه آیین یارسان (اهل حق)» (1400) فرض را بر این پایه استوار کرده‌اند که آیین یارسان با فلسفه‌ای خاص به بیان کیفیت تکامل، سیر و سلوک و چگونگی کشف و شهود انسان پرداخته است. روح انسان پس از طی هزار و یکمین درجه معنوی (دون) مراتب تکامل را طی کرده و پس از مرگ به عالم بقا وارد می‌شود و در نهایت به حق واصل می‌گردد. این مقاله با رمزگشایی و تحلیل محتوا به تبیین سیر تکاملی انسان از نگاه کلام یارسان که شبیه به عرفان اسلامی می‌باشد، پرداخته است. بیان آثار و ثمرات سیر و سلوک از دیگر اهداف این مقاله است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که ارکان یارسان در تکامل انسان نارسا و در مواجهه با قرآن مورد نقد است.

در پایان این بخش لازم به ذکر است که کتب و منابعی همچون دیوان گوره، دیوان شیخ امیر نوروز (قرن سیزدهم)، آیین یاری اثر مجیدالقاضی و ... را نام برد. که بخش اعظمی از آن‌ها چنانچه ذکر شد به صورت کلی یا جزئی به بررسی بخش‌هایی از عقاید و اصول آیین یارسان پرداخته‌اند؛ اما در هیچکدام از این آثار به طور اختصاصی به پیر رمزار و جایگاه ایشان در میان آیین یارسان اشاره‌ای مستقیمی نشده است.

3. آیین یارسان

پیروان آیین یارسان به طور عمده در کشورهای ایران و عراق زندگی می‌کنند. درباره جمعیت یارسان آمار دقیقی در دست نیست. با توجه به منابع، پیروان آن به طور عمده در کشورهای ایران، عراق، سوریه و ترکیه زندگی می‌کنند. پیروان آیین یارسان در ایران را در استان کرمانشاه (روستاهای توابع هرسین و برخی از روستاهای توابع ماهیدشت، شهرستان اسلام‌آباد غرب و توابع آن، سرپل ذهاب، قصر شیرین، صحنه، دالاهو و...)، استان لرستان از جمله (مناطق بلوران، پل دختر، سلسله و دلفان و...)، استان آذربایجان (تبریز «محله چرنداب»، مراغه، رضاییه، کندوان و بعضی از روستاهای دیگر در بخش ایلخچی و...)، حوالی تهران، قزوین و مازندران (رودهن، هشتگرد و...)، استان همدان و زنجان (اسدآباد و روستاهای بهزار و...) استان‌های شیراز و گیلان شهرهای چم خاله و صومعه سرا هستند. در خارج از مرزهای سیاسی ایران نیز طوایفی از کرد عراق بویژه در شهرهای سلیمانیه، کرکوک، خانقین، موصل و گرمیان مندلی و... و بعضی از طوایف گرد ساکن ترکیه، از پیروان آیین حقیقت‌اند (طیبی، 1351: 51). پیروان یارسان در ایران و خارج از آن بیشتر در مناطق گردنشین سکونت دارند.

دین یاری دینی است با مناسک عرفانی که تاریخ دقیق شکل‌گیری آن مشخص نیست. بینش یارسانی را می‌توان بر اساس مستندات تاریخی و خطی با کلام بهلول دانا در قرن دوم هجری معرفی کرد. سپس در قرن چهارم، شاه خوشین لرستانی، بابا سرهنگ دودانی، بابا جلیل و بابا ناوس تا اوایل قرن نهم بینش یارسان را در منطقه زاگرس و بخشی از کردستان عراق بسط و گسترش می‌دهند. طبق گفته دیوان گوره؛ آیین یارسان از ازل وجود داشته است و به صورت سر و راز بین اولیاء و انبیای الهی بوده و نسل به نسل منتقل شده است. «یارسان قدمت خود را از ازل می‌داند و معتقد است که خداوند پس از تجلی و شکافته شدن در (بیگ بنگ) و سپس خلقت با یاران (فرشتگان) خود به جهت ایجاد عشق و یاری و یآوری هم پیمان (بیابس) می‌شود و تمام علم کائنات را بر آنان مشکوف می‌گرداند. اما این حقایق پس از خلق انسان (بنا به مشیت) در پرده‌ای اسرار نهان می‌گردد تا در هر دوره‌ای از تاریخ برای انسان‌ها به صورت نسبی توسط اولیاء آشکار می‌گشته، به این صورت که انسان در روند کلی زندگی و در طول زمان متکامل‌تر می‌شود و در هر موقعیت زمانی از حقایق نهفته در کائنات پرده بر می‌داشته است» (طاهری، 2009: 11-12). در اوایل قرن نهم که عرفان دوران طلایی خود را سپری می‌کرده است این اسرار توسط سلطان اسحاق بازگو شده‌اند «با ظهور سلطان اسحاق این بینش در قالبی مدون و جامع با تدوین دستورات و قواعد آن و دسته‌بندی قبایل و گروه‌های وابسته به این بینش جلوه می‌کند تا آن به عنوان مبدأ یارسانی در پردیور معرفی گردد» (همان، 13). در آیین یارسان اعتقادات و باورهای ایرانی را بسیار داریم و می‌توان آن را یکی از نهضت‌های فکری دانست که تداوم آن به زمان مهرپرستی برمی‌گردد. ذخایر معنوی و عقایدی مثل؛ زردشتی، بودائیسیم، هندوئیسم، مانوی و در ادامه اسلام، کلیمی و مسیحیت را می‌توان دید ولی بنای اصلی دین بعد از اسلام پایه‌ریزی شده است. «چراکه به قول ایشان اکملترین ظهور ذاتی در طول تاریخ بشریت تا آن زمان اسلام است» (همان، 12). همین امر موجب شد که بسیاری از مناسک دین اسلام در میان پیروان یارسان جایگاه خاصی پیدا کند و همچنان نیز ادامه یابد.

3-1. دیدگاه آیین یارسان در باب جنسیت

یکی از اصول مهم در آیین یارسان فلسفه «بودن» یا «دوندون» است که به اصل وجود در معنای حقیقی واژه بدون در نظر گرفتن جنسیت باور دارند. طبق باور دوندون، بعد از مرگ روح در جسم دیگری حلول می‌کند و در این عمل جنسیت مفهومی ندارد «در نزد ارواح جنسیت مطرح نیست در واقع ایشان از نور می‌باشند و نمی‌توان آنها را زن یا مرد خطاب کرد، همچون وجود هفتن و یا شخص نورالعین که گاه پیش آمده تا در قالب مرد ظهور فرموده‌اند. اما تجسد جنسیت برای ارواح، بر اساس شرایط بودن آن روح شکل می‌گیرد که در کل در نزد یارسانی زن و مرد هیچ تفاوتی با هم ندارند خاصه نزد ارواح» (طاهری، 2009: 146). با استناد به این مطلب و همچنین مشاهده پیروان کنونی این آیین در مناطق مختلف می‌توان اینگونه برداشت کرد که در میان پیروان یارسان بین دو جنس تفاوتی قائل نیستند و نقش آنها بر اساس وجودشان تعریف می‌شود نه جنسیت آنها. برخلاف بعضی از مذاهب و آیین‌های دیگر که در آن نمودهایی از تبعیض و تحقیر زنان دیده می‌شود و اموری چون مشورت کردن با زنان را نشانه نادانی مردان دانسته و مورد تمسخر قرار می‌گیرند، به وضوح می‌توان مشاهده کرد که در میان پیروان یارسان، حضور زنان در عرصه مشورت و حتی شفاعت یاران تا چه اندازه اهمیت دارد. نمونه بارز آن حضور پیر رمزار در جم هفتن، بعنوان هفت قدیس یارسان است. ایشان از بدو ظهور آیین یارسان، در تمام ادوار و در دون‌های مختلف، در کنار یاران و پیروان خود حضور داشته و همواره شفیع آنان نیز بوده است. جزء جم هفتنی یاران نزدیک مغرب حق نیز بوده‌اند که به نوعی فرشته رازداری و رمزبازی حق در امور یاری به حساب می‌آمدند. تک همسری و برابری ارث و میراث بین دختر و پسر در میان یارسانیان، از آداب برگزیده و پسندیده‌ای است که مورد تحسین همگان نیز می‌باشد. در دفتر چهل تنی دوره سید براکه‌ی گوران در کلام نوروز، نام زن پیش از مرد ذکر شده است:

نوروز مرموو

ئه‌وسا زهنومه‌رد قه‌بولکه‌ردشان

سه‌روه‌سه‌قامه‌ت فروز به‌ردشان

(دفتر نوروز سید فریدون دانشور، 1386)

3-2. جایگاه پیر رمزار در آیین یارسان

خاتون دایراک به عنوان مادر ظاهری سلطان اسحاق در میان پیروان یارسان شناخته شده است. ایشان تحت عنوان بانو رضبار (رمزار) در مقام اولین یاران سلطان، همچنین اولین بانویست که به مقام والای پیری رسیده و شفیع یاران نیز دارای جایگاه ویژه‌ای است. با استناد به متون و نسخ خطی که در دسترس هستند می‌توان اهمیت جایگاه و مقام وی را در حفظ و ترویج آیین و نیز میزان تأثیرگذاری کلامشان در میان پیروان و حتی نزد سلطان سحاک به خوبی درک کرد.

به طور کلی با بررسی متون مختلف دینی در مورد آیین یارسان به نظر می‌رسد که یاران روحانی سلطان اسحاق دو گروه بودند. گروه اول، هفت تن (هفتن)، دارای ذات حق و گروه دوم، هفتوانه، دارای صفات حق. «گروه‌های حاضر در پردیور شهر توسط پیران پردیور، دسته به دسته در محضر سلطان سحاک معرفی می‌گردند» (دیوان گوره نسخه خطی یار مراد خلیفه، 1325؛ 178). در معرفی جم هفتن که یکی از آنان پیررمزار است چنین آمده است:

بنیامین مرموو

هه‌نه‌ت گروهی چه‌عالمه‌ئه‌ولایی

نه‌چه‌بابا‌ئاده‌مه‌نه‌چه‌هه‌وایی

خودا‌با‌ئاشان‌ئاشان‌با‌خودایی

(همان، 1325)

مفهوم: گروه هفتن بعنوان هفت فرشته مقدس که هریک دارای ذات حقانی یا فر ایزدی هستند از نور می‌باشند و از نسل آدم و حوا نیستند. هفت تن، در مرتبه‌ی اول از یاران سلطان قرار دارند «به اعتقاد اهل حق سلطان مظهر ذات حق و هریک از این یاران در سلسله مراتب روحانی مظهر یکی از هفت فرشته‌ای است که به اعتقاد آنها خداوند از بطن درّ خلق فرموده و با آنها عهد و میثاق (بیابس ازلی) را بسته است و رمزار مظهر حورالعین است» (طیبی، 1351: 57).

3-2-1. پیر رمزار در جایگاه خاتون دایراک

در دیوان گوره در رابطه با مادر شدن پیر رمزار چنین از ایشان یاد شده است؛

یاران چنی هم‌شین‌ئه‌و بوستانی

بابا رکن‌ئه‌لدین وهی سره‌زانی

شهباز سفید سر پنهانی

بنیامین گردی داوود ئاسانی

داش وه دایراک بی وه‌دایانی

ترجمه: یاران چهار ملک به همراه هم به بوستان رفتند، بابا رکن‌الدین از این راز باخبر بود، شهباز سفید (استعاره از سلطان اسحاق) را که دارای رازی پنهانی بود، بنیامین و داوود به سادگی و آسانی گرفتند و به خاتون دایراک تحویل دادند و خاتون مادر ایشان شد (دفتر دست نویس دیوان گوره به قلم یارمراد خلیفه، 1325 هجری شمسی).

پاکی و بکارت خاتون نزد اهل یارسان اهمیت والایی دارد و مظهر آن در تولد سلطان اسحاق قابل مشاهده است. داستان مادر شدن با وجود بکارت وی، به عنوان یک سر میان ایشان و فرشتگان مقرب باقی ماند و شاید لقب رازداری و رمزبازی خویش را از همین ابتدا توسط آنان دریافت کرد.

2-2-3. پیر رمزبار و جایگاه سیمرغ

یکی از دون‌ها پیر رمزبار است، که بعنوان بانوی روشن‌بین و خردمند در سده هشتم و نهم هجری در میان پیروان یارسان شناخته شده است. در آیین یارسان جزو فرشتگان هفتی به شمار می‌رود و در عصرکیانی در دون سیمرغ نیز بوده است. ایشان در یکی از دوبیتی‌هایشان خود را سیمرغ می‌خواند و می‌گوید:

او سایه و شمی، او سایه و شمی بارگای شام وستن او سایه و شمی

چنی سه تنه پیام درهمی سیمرغ، بیانچه رای رستمی

معنی: بارگاه شاهم را در پرتو شمع جای دادم، من در آن دم با سه تن دیگر از فرشتگان به سر می‌بردم و زمانی همچون سیمرغ به کمک رستم شتافتم (صفی‌زاده، 1361: 172).

پیر رمزبار در یکی دیگر از دوبیتی‌هایشان به داستان پیدایش رستم اشاره می‌کند:

شیم او بارگای، شیم او بارگای سیمرغ بیانی شیم او بارگای

چمکه رودابه به رستمش زایی پی شادیو وشى زا زرکایی

معنی: من در آن روزگار سیمرغ بودم و هنگامی که رودابه درد زایمان را دریافت، زال یکی از پره‌های مرا روی آتش نهاد و من بی درنگ به سوی بارگاه و کوشک او پرواز کردم و به رودابه مژده زادن رستم را دادم و پس از اینکه رستم را زایید زال زر بسی خوشنود و شادمان گشت (همان، 178). پیر رمزبار در این دو کلام، جایگاه خود را چون سیمرغ و جایگاه سلطان را چون رستم می‌داند که خود، یاری‌گر و یاری‌رسان سلطان در همه حال بوده و هر جا سلطان نیاز به یاری و همفکری داشتند ایشان به همراه سه فرشته یاری‌گر دیگر، سلطان و بارگاه ایشان را چون سیمرغ، زیر پر و بال و حفاظت خویش قرار می‌دادند تا گزندى به سلطان وارد نیاید.

2-3-3. پیر رمزبار و جم هفتن

سلطان سحاک در مقام هفتی و دارای ذات زبردستی در آیین یارسان هر کدام از فرشتگان خود را وظایفی اعطا نموده است. وظیفه و حکم پیر رمزبار رازداری در آیین یارسان می‌باشد. پیر رمزبار از ازل، حکمت رمز و راز بوده، یکی از دون‌های برجسته و معروف رازداری این پیر بانو در دون سیمرغ در دوره کیانی نیز بوده است.

رمزبار مرمو

دامشا ده وان

دامیار بنیامین دامشا ده وان

نه ینا ته نده نش‌ئو وهره سه‌وان

شاهبازش گهردهن سیمورغ‌ئو قه‌وان

با دام و تدبیری برنده، بدین شیوه تدبیری اندیشیده به سوی رازداری، و این بار در جامه سیمرغ شهباز حقانی را نمایان گردیده است و رمزبار به صراحت دون سیمرغ بودن خود را در عصر کیانی گواهی داده است و در کلام بارگه بارگه (ص 122) دیوان گوره یار مراد خلیفه این کلام‌ها را آورده شده است.

رمزبار مرمو

ئه و سایه ی شه می

بارگاه شام وستنه ئه و سایه ی شه می

چه‌نی سه‌ته‌نه بیمی ده‌ره‌می

سیمورغ بیانی چه رای رستمی

در روشنائی شمعی، پادشاهم بارگاه خود را در روشنائی شمعی انداخته است، همراه با سه تن هماهنگ بودیم، آن وقت من سیمرغ بودم برسر راه رستم، یا سیمرغ بودم بخاطر هدایت رستم.

پیر رمزبار در دو دوره ظهور ذاتی دینی یارسان با همین نام حضور داشته‌اند. نخست، در دوره باباسرهنگ و سپس در دوره سلطان سحاک که در هر دو دوره یکی از اعضای جم هفتن بوده و با قدرت تمام و جایگاه والا صاحب نظر و قانون‌گذار بوده است. فرموده‌های ایشان با نام «رمزبار»، در هر دو دوره نشان از توانمندی ذاتی _ معنوی، دنیوی و هفتی بودن ایشان است. رمزبار همانند مردان جم هفتی بعنوان یک بانو ملقب به پیر بوده است. لقب پیری در آیین یارسان بالاترین لقب حتّی بالاتر از لقب پادشاه است. در متون یاری همیشه لقب پیری پیش از پادشاه آمده است چون پادشاه دارای پیر است (برای نمونه پیر بنیامین پیر پادشاه است). پیر رمزبار مانند سایر پیران جم هفتی گفتارها و کلامشان در دیوان گوره ثبت شده است و مانند کلام سایر قدیسان از قداست خاصی برخوردار می‌باشد. برخی از دستورات و مناسک لازم‌الاجرا در میان یارسانیان برگرفته از فرامین بانو بوده که در دفتر دیوان گوره بعنوان متون مقدس یاری آمده است. در ادامه به دو نمونه از دو دوره ذاتی؛ یکی دوره دودانی و دومی دوره پردیوری از کلام پیر رمزبار اشاره شده است:

الف) دوره باوا سه‌ره‌نگ

ره‌رمزبار مرموو

گاو گوانم په یدای نه دهر

میردان قهولم شی نه سهر

مه بوشان بارانش نماران که بیر

ترجمه: قدرتی را یافته ام، ای انسان ها به قولی که داده بودم دست یافتم، بیایید ببینید هیچ تیغی قادر به بریدن (قطع کردن) آن نیست.

ره مزبار مرموو

گاو گوانم هائامو هجا

میردان قهولش چه نه ش بی هامتا

مه بوشان بارانش شادبوان ویا

ترجمه: سرانجام به قدرت رسیدیم، قولی که به مردم داده بودیم به آن عمل کردیم، ای مردم شاد باشید.

ره مزبار مرموو

توئان گوی یورت مابوردی به چینه

دهر عرز به ره هق گو فته م زوبینه

ئان شکیا بودی دهر ئه لست مه نزلت بود بخینه

ترجمه: شما آن قدرت بودید در جامه ما در عصر شاه فضل نسبت به موضوع کشتن بره من به شخصه حضور داشتم و سخن حق گفتم و از دوران

آلست تاکنون شکیا پی اختیار کرده ام.

پیر رمزبار در این کلام به نوعی قدرت و توانمندی خود را در حفظ آیین بازگو می کند و همچنین به پیروان و حتی دشمنان خود این نکته را متذکر می شود

که از ابتدای خلقت در همه ادوار حضور داشته و همواره سخن حق بر زبان آورده است، اما دوران قدرت ایشان به طور رسمی و قانونی اکنون آغاز

شده و همه باید این امر را پذیرا باشند.

ره مزبار مرموو

سه قه نقوری بودم دهر جه زیره

با یاران که ردم ئان ویره ویره

گاو ئان گاو نه واش دهر تیره

ترجمه: من در دورانی یا دونی جاننداری بودم در جزیره ها و با یاران می اندیشیدم، نیروی ما همان نیرویست که دره های تاریکی در پیش داریم.

ره مزبار مرموو

غلامان نشات

سهره ننگ خوداما غولامان نشات

پهری ده عوای مولک جهم مه و وه ریلات

سهره ننج پهری شاه ئامامنه که لات

ترجمه: ای بندگان خدا شاد باشید، برای دفاع از میهن ما در این سو، سرنج بفرمایید و شادی کنید، پادشاه از سرزمین کلات آمده است.

ره مزبار مرموو

یاریمان نیان پا به رزه مه عوا

داوود و موسی به یان جه لاه

بنیامین مه دران وه شهرت شاه

دوره دامیار ده فته دیوان گوره

ترجمه: بنیاد یاری را در بلندی ها یا آسمان ها گذاشتیم، داوود و موسی ناگهان آمدند، بنیامین را در پیروی از اقرار و شروط شاه دیدند.

ب) دوره دامیار

یکی دیگر از دوره های مهم دینی در آیین یارسان است. در این دوره پادشاه جم هفتن را به نبرد شناسایی ذات الهی یا فرّ ایزدی توسط دام یا تدبیر پیر

بنیامین در طول تاریخ فرا می خواند. پیر رمزبار به عنوان پیر و برگزیده شده توسط ذات حق، خود را مأمور پاسخ به این فراخوان ها و انتقال آن در میان

پیروان می داند و هر آنچه را از جانب ایشان (پیر بنیامین) دریافت می کند برای سایرین بازگو می نماید. در ذیل به چند نمونه از کلام های پیر رمزبار در این

دوره اشاره می شود:

به یان ئه و نه وهر د

غلامان به ک یه ک به یان ئه و نه وهر د

راستی بنمانان یاری کویزو که رد

بدانی سنای پیر شرط (یارمراد خلیفه مکتوب، 1325: 71 الی 116).

در اینجا به بخش کوتاهی از پاسخ های پیر رمزبار به فراخوان پادشاه و نظریه های او درباره دوره های ذاتی و شناسایی آنان توسط تدبیر یا دام پیر بنیامین

در دوره دامیار پرداخته می شود:

رمزبار مرموو

دامش وه نه

دامیار بنیامین دامش وه نه

نهیناته‌نده‌نش وه‌سه‌روکوه
 شاه‌بازش گه‌رده‌ن خواجای پیرسوه
ترجمه: دامش نوین است، بنیامین دامیار دامش نوین است، اکنون در جبال (کوهستان‌ها) دامش را پهن نموده است و خداوند پیرسو به شهباز ازلی دست یافته است.
 رم‌زبار مرم‌وو
 دامش تاشیا
 دامیار بنیامین دامش تاشیا
 نهیناته‌نده‌ش ئه‌ونه قاشیا
 شاه‌بازش گه‌رده‌ن خواجای پیشیا
ترجمه: دامش تراشیده شده است، دامیار بنیامین دامش تراشیده شده است، دام پهن شده‌ او بصورت نقاشی بوده است، خداوند پیشین دامش را پهن نموده است.
 دامش بیگه‌رده
 دامیار بنیامین دامش بیگه‌رده
 نهینا ته‌نده‌نش وه‌ره‌و نه‌وه‌رده
 شاه‌بازش گه‌رده‌ن خواجای مازه‌رده
ترجمه: تدبیر دامیار بنیامین بسیار زیباست، اکنون تدبیرش بسوی نبرد است، خداوند ماه زرد به شهباز حقانی دست یافته است.
 رم‌زبار مرم‌وو
 دامش بی‌توه
 دامیار بنیامین دامش بیتوه
 نهینا ته‌ندنش ئه‌و وه‌ره‌و خوه
 شاه‌بازش گه‌رده‌ن خواجای هندوه
ترجمه: دامش بدون کینه است، دامیار بنیامین دامش بدون کینه است، اکنون تدبیرش بسوی اصالت است، خداوند هندو به شهباز حقانی دست یافته است.
 رم‌زبار مرم‌وو
 دامشا ده‌وان
 دامیار بنیامین دامشا ده‌وان
 نهینا ته‌نده‌نش ئه‌و وه‌ره‌و سوان
 شاه‌بازش گه‌رده‌ن سیمورغ ئه‌و قه‌وان
ترجمه: تدبیر دامیار بنیامین تیز و برنده است، اکنون تدبیرش را به سوی سحر پهن کرده است، در دون سیم‌رغی به شهباز دست یافته است (دفتر دیوان‌گوره، قدیمی‌ترین متن دینی یارسان، یارمراد خلیفه: 1325 هجری شمسی).
 یکی دیگر از باورهای اصلی یارسان باور به «دونادون» است، که در این مورد پیر رم‌زبار به عنوان یک بانو، در گروه هفتن و دفاع از جایگاه زن در ادوار مختلف نقش پررنگی را ایفا می‌کند. در دوره‌ دامیار، ضمن تأیید «دونادون» به شخصه خواهر منصورحلاج را از دون‌های قبلی خود معرفی می‌نماید و از موضع‌گیری و تصمیم آن بانو در دوره‌ منصور حلاج دفاع می‌نماید:
 رم‌زبار مرم‌وو
 هه‌قم وات چه‌نه
 عه‌ینه بیانی هه‌قم وات چه‌نه
 نه‌فه‌زل به‌ره یاوایمی په‌نه
 من واتم هه‌ی نه مه‌نسور بی خه‌نه
ترجمه: به ایشان (حلاج) حرف حق زدم، من آن زمان به شخصه بودم و حرف حق را گفتم، در واقعه‌ی بره شاه فضل من هم رسیدم. (حضورداشتم)، من اخطار دادم اما منصور به من خندید.
 رم‌زبار مرم‌وو
 ره‌مز هه‌ق جوربیم
 عینه بی‌ته‌نوا ره‌مز هه‌ق جوربیم
 لوتف خواجام بی‌جه‌بره دوربیم
 چونکه هه‌قم وات هه‌ق مه‌نسور بی
ترجمه: در آن عصر هم به راز و رمزها آشنا بودم، من عیناً تهیدست بودم اما رازهای حق را می‌دانستم، خداوند به من لطف کرد که در کشتن بره شاه فضل شرکت نداشتم چون حرف حق را می‌گفتم و حق من منصور بود و در دوره‌ مذاکرات پیره و پیرالی بر سر پیر شرطی.

پیر رمزبار بعنوان یک بانو، موضع‌گیری تند و توانمندی دارد و این خود نشان از قدرتمندی و آزادی بیان و حق تصمیم‌گیری و جایگاه پیر رمزبار بعنوان جایگاه بانوان در اندیشه یاری است که چگونه یک بانوی توانمند به اندیشه و نیروی فیزیکی به یکی از شخصیت‌های مدعی بالاترین منسب و جایگاه در باور یارسان تذکر می‌دهد و عادلانه در بین آنان به عنوان دو مرد قضاوت می‌کند.

رمزبار مرموو

پیرالی بیراه مه‌واچه مه‌که‌ره قینی

چنی بنیامین عه‌دو مه‌وینی

موزانت ره حالیت موزینی

ترجمه: پیرالی بدون دلیل قهر نکن، با بنیامین دشمنی نکن، تورا شکست می‌دهم، هر چند هم حالا شکست خورده‌اید (دورهٔ پیره و پیرالی دفتر دیوان گوره نسخه خطی یارمراد خلیفه، 148).

یا در رابطه با جانشینی سلطان اسحاق یا همان پادشاه، پیر رمزبار بعنوان یک صاحب نظر و شاهد عینی چنین نظر می‌دهد:

رمزبار مرموو

یادگاری ویش بی‌ئه‌و رو نما‌نا

په‌ری نشینگه‌ی ته‌خت سه‌رانا

ترجمه: (پادشاه) آن روز یادگاری خودش را اعلام نمود برای برتخت نشستن سرانه معرفیش کرد (یارمراد خلیفه، 1325: 215).

4. نتیجه‌گیری

در آیین یارسان، پیر رمزبار حامل برترین مژدهٔ بشر از آغاز خلقت بوده‌اند و به امر ایزد، اسرار را نزد خود حفظ نموده تا زمان مقّر فرا برسد. این امر نشان‌دهندهٔ رسالت وی می‌باشد و در تمام ادیان این اولین بار است که یک زن بازگوکنندهٔ اسرار حق است. طبق نظام اعتقادی-آیینی یارسانان، زن و مرد تعریفی جنسیتی نداشته و هر دو به یک میزان از حقوق انسانی برخوردارند.

نکتهٔ مهم دیگر مشروعیت‌سازی پیر رمزبار در «کلام»‌های گوناگون برای جایگاه خویش است. اعتباربخشی که از شیوه‌های مشروعیت‌سازی است در این کلام با مضمونی چون آگاه بودن به اسرار حق، ناظر ماجرای منصور حلاج بودن، استنباط می‌شود. یکی دیگر از شیوه‌های مشروعیت‌سازی، اسطوره‌سازی می‌باشد که وی با اسطورهٔ سیمرخ در صدد همین امر برآمده است.

منابع

- 1) حاجی تقی، مجد و همکاران (1394). «پیدایش آیین یارسان و دوره‌های تجلی در این آیین»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دورهٔ 9، شماره 16، ص 53-76.
- 2) دانشور، سید فریدون، «دفتر نوروز».
- 3) زمانی، مهدی و همکاران (1400). «تبیین و بررسی انتقادی ارکان و سیر تکامل انسان از نگاه آیین یارسان (اهل حق)» مطالعات قرآن و حدیث سفینه، شماره 73، رتبه ب، ص 169-2010.
- 4) سلطانی، مجدعلی (1376). «قیام و نهضت علویان زاگرس یا تاریخ تحلیل اهل حق»، کرمانشاه: مؤسسه فرهنگی نشر سها.
- 5) صفی‌زاده، صدیق (1361). «نوشته‌های پراکنده دربارهٔ یارسان اهل حق»، چاپ اول، مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
- 6) صفی‌زاده، صدیق (1375). «نامه سرانجام (کلام خزانه)»، تهران: انتشارات هیرمند.
- 7) طاهری، طبیب (2009). «تاریخ و فلسفهٔ سرانجام»، چاپ اول، مرکز تحقیق و نشر مکرانی.
- 8) طبیبی، حشمت‌الله (1351). «منشاء اجتماعی معتقدات کردان اهل حق (مطالعه جامعه‌شناسی)»، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، بررسی‌های تاریخی، شماره 5 سال هفتم ص 69-44.
- 9) مجدی، مجد (1384). «پژوهشی دقیق در «اهل حق» تاریخچه، عقاید، فقه»، چاپ اول، تهران: پازینه.
- 10) یارمراد خلیفه (1325). «دفتر دیوان گوره»، نسخه خطی.